



مطالعه پنج اثر منتخب از سفال نیشابور مربوط به قرون ۲ تا ۴ هـ.ق. در تطبیق با اندیشه‌های هنر مینیمال

بهر روز سهیلی اصفهانی* محسن مرثی**

چکیده

در میان سفالینه‌های مکشوفه از نیشابور مربوط به قرون ۲ تا ۴ هـ.ق.، می‌توان آثاری را یافت که جنبه‌های زیبایی‌شناسی متفاوتی نسبت به سایرین دارند. در این آثار، کاربرد زیاد تزئینات، رنگ‌های پیرطروت دیده نمی‌شود و از لحاظ طرح و نقش با سایر آثار رایجِ زمانه خود متفاوت‌اند. وجود فضای خالی، سکون و آرامش در سطح کار، برخلاف آثار گذشته نقش مهمی در آنها ایفا می‌کند و در یک جمله، گویی در شیوه تزئین‌شان ویژگی‌های مینیمالیستی دارند. در این پژوهش، پنج اثر سفالین که به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی وضعی انتخاب و مورد مطالعه و تطبیق با اندیشه‌های هنر مینیمال قرار گرفته‌اند، منتخبی از سفالینه‌های نیشابورند که ویژگی‌های یادشده را به نمایش می‌گذارند. پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی به انجام رسیده و هدف اصلی آن، شناخت ویژگی‌های زیبایی‌شناختی هنر ایرانی در تطبیق با اندیشه‌های هنر معاصر است. به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که وجوه مشترک آثار منتخب سفال نیشابور با ویژگی‌های زیبایی‌شناسانه هنر مینیمال کدام است؟ اهمیت شناسایی و معرفی ظرفیت‌های هنرهای ایرانی و نقش آنها در تحولات هنر معاصر از ضرورت‌های انجام این تحقیق است. پژوهشگران پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته را با روش دلفی در اختیار چند تن از اساتید هنر دانشکده هنر شاهد قرار داده تا حضور اندیشه‌های هنر مینیمال در هر کدام از سفالینه‌ها مشخص گردد. سپس با کمی کردن اطلاعات، میزان این تطبیق را ارائه نموده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که این آثار میزان تطبیق قابل توجهی بین ۷۸ تا ۸۴ درصد با اندیشه‌های هنر مینیمال دارند. بنابراین می‌شود آنها را به‌عنوان نمونه‌های هنر مینیمال در دوران قبل از ظهور مینیمالیسم یعنی حدود ۹۰۰ سال پیش از پیدایش آن قلمداد کرد. دلیل تشابه بین آنها را می‌توان وجود ایده‌های مشترک، مبانی زیبایی‌شناسی مشابه و گرایش به ساده‌سازی ذکر کرد. بنابر نتایج، از میان اندیشه‌های هنر مینیمال، دو ویژگی کاهش رنگ و سادگی فرم و عدم استفاده از فرم‌های متعدد به‌طور همزمان بیش از بقیه و به‌صورت ۱۰۰ درصدی در این سفالینه‌ها وجود دارند.

کلیدواژگان: سفال، نیشابور، هنر مینیمال، زیبایی‌شناسی.

* دانشجوی کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر شاهد، دانشگاه شاهد، تهران.

** استادیار، دانشکده هنر شاهد، دانشگاه شاهد، تهران، (نویسنده مسئول)

مقدمه

تحقیقات باستان‌شناسی تا به امروز، قدمت هنر سفالگری را در ایران تا هزاره هشتم پیش از میلاد نشان می‌دهد. سفالگری ایران به علت تأثیر از جنبه‌های مختلف آیینی، مذهبی، اقتصادی، کشاورزی و اجتماعی در دوره‌های مختلف تحول و تکامل یافته است. در دوران اسلامی این تحولات چشمگیر بوده و در مقایسه با دوره متقدم دارای اهمیت بیشتری است. در این رهگذر، مراکز سفال‌سازی متعدد هریک با برخورداری از ویژگی‌های خاص در اکثر شهرهای ایران پدید آمدند؛ که در این بین نیشابور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. طی سده‌های سوم و چهارم هـ.ق. همزمان با حکومت سامانیان در ایران، دیگر شهرهایی چون سمرقند و بخارا همراه با نیشابور از مراکز مهم هنری جهان شرق شناخته شده‌اند. در چند دهه اخیر تلاش‌های بسیاری در جهت شناخت و شناساندن سفال نیشابور قرون اولیه اسلامی صورت گرفته است؛ کتاب‌های معدودی درباره این موضوع به چاپ رسیده و مقالات و پایان‌نامه‌های بسیاری نگاشته شده است. اما همچنان زوایای دیده‌نشده و یا کمتر دیده‌شده‌ای برای پژوهشگران در این حوزه وجود دارد.

برخی کارشناسان معتقدند ریشه بسیاری از جریان‌های شکل‌گرفته در هنر مدرن را می‌توان در هنرهای سنتی شرق جستجو کرد. تاراج آثار باستانی شرق (از جمله ایران، چین و ژاپن) و پراکندگی آنها در تمامی موزه‌های غرب بر کسی پوشیده نیست. مواجهه مستقیم هنرمندان نوگرای قرن بیستم با این آثار، می‌توانست جرعه الگوهای زیبایی‌شناسی مدرن را در ذهن آنها رقم زده باشد. تأثیرات اثبات‌شده‌ای که جاپنیزم^۱ بر امپرسیونیست‌ها و تأثیراتی که نگارگری ایران بر هنرمندانی چون هنری ماتیس داشته، همگی شواهدی بر این مدعا هستند؛ اما همچنان ارائه شواهد و ردیابی حضور هنر شرق در پس‌کلیه گرایش‌های هنر مدرن، کاری دشوار و شاید ناممکن است.

در میان انبوه سفال‌های کشف‌شده از نیشابور مربوط به قرون ۲ تا ۴ هـ.ق.، آثاری می‌توان یافت که تفاوت قابل‌توجهی با سایرین داشته و گویی در شیوه تزیین‌شان روحیات مینیمالیستی وجود دارد. این درحالی است که هنوز حدود ۹۰۰ سال زمان لازم است تا هنر مینیمال پا به عرصه وجود بگذارد و مبانی خود را شکل دهد. وجود تشابهات میان این آثار و اندیشه هنر مینیمال، موضوعی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهد گرفت و هدف اصلی آن، شناخت ویژگی‌های زیبایی‌شناختی هنر ایرانی در

تطبیق با اندیشه‌های هنر معاصر است. نگارندگان همچنین قصد دارند تا میزان این تشابه را بررسی کرده و وجوه تشابه را مشخص نمایند. زیرا با وجود مطالعات متعددی که در حوزه شناخت هنر ایرانی صورت گرفته، جای خالی شناسایی مبانی زیبایی‌شناسی هنرهای کاربردی ایران همچنان حس می‌شود. این پژوهش درحقیقت، تأکیدی است بر اهمیت و ضرورت شناخت فرهنگ و هنر گذشته سرزمین ایران در جهت شناسایی معیارهای زیبایی‌شناسی، اندیشه‌ها و باورهای مردم و هنرمندان آن روزگار. اهمیت شناسایی و معرفی ظرفیت‌های هنرهای ایرانی و نقش آنها در تحولات هنر معاصر از ضرورت‌های انجام این تحقیق به‌شمار می‌آید. بدین ترتیب، در این پژوهش ابتدا به معرفی نمونه‌های انتخابی از سفالینه‌های نیشابور مربوط به قرون ۲ تا ۴ هـ.ق. پرداخته خواهد شد و سپس با اتخاذ چارچوب نظری از لوردانا پارمزان^۲ درباره هنر مینیمال، آن سفالینه‌ها با اندیشه‌های هنر مینیمال تطبیق داده و میزان آنها مشخص خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در جستجویی که انجام گرفت، پژوهشی که به‌طور مستقیم با عنوان این مقاله مرتبط باشد، یافت نشد. اما مقاله‌ای درباره بررسی تطبیقی نقوش سفالینه‌های ایران باستان با سبک آپ‌آرت^۳ به‌دست آمد که بی‌شبهت و بی‌ارتباط با موضوع این مقاله نیست. نتایج مقاله «بررسی و تطبیق گرایش به انتزاع در نقوش سفالینه‌های ایران باستان و شیوه آپ‌آرت» از خضایی و مرانی (۱۳۹۰)، علل تشابه میان این دو پدیده را این موارد معرفی می‌کند:

- بهره‌گیری از انواع تدابیر بصری مثل گرایش به ساده‌سازی و استفاده از اشکال هندسی؛
 - تأثیرپذیری از طبیعت با توجه به مفهوم و جوهر درونی پدیده‌ها؛
 - معیارهای زیبایی‌شناسی مشابه؛
 - ایجاد تأثیری لذت‌بخش در قالب ترکیبات بصری؛
 - استفاده از روش‌های گوناگون جهت القای حرکت و عمق در قالب اشکال انتزاعی؛
 - انتخاب نقش‌هایی گویا و متناسب جهت سهولت در تکثیر و بازآفرینی در عرصه تولید.
- براساس آنچه گفته شد، می‌توان مقاله حاضر را در ادامه پیشینه مذکور و دارای اهداف مشابه دانست. زیرا در هر دوی این مقالات، بخشی از ویژگی‌های هنر کهن سفالگری ایران با یکی از سبک‌های هنر مدرن تطبیق داده می‌شود. از جنبه‌های نوآوری پژوهش حاضر در قیاس با مقاله مذکور،

آنها را ادغام کرده و در قالب ۱۰ شاخص که در ادامه خواهد آمد، ارائه نموده‌اند.

پنج اثر منتخب از سفال نیشابور

در لابه‌لای سفالینه‌های متعددی که از نیشابور کشف شده‌اند، می‌توان آثاری را یافت که جنبه‌های زیبایی‌شناسی متفاوتی از سایرین دارند. گویی آفرینشگران آنها از قواعد زیبایی‌شناختی دیگری پیروی می‌کرده‌اند. در این آثار، کاربرد زیاد تزئینات دیده نمی‌شود، از رنگ‌های پر طراوت و خیره‌کننده خبری نیست، موتیف‌های رایج زمانه خود را به همراه ندارند، وجود فضای خالی در سطح کار برخلاف گذشته نقش مهمی ایفا می‌کند و نوعی سکون و آرامش در آنها موج می‌زند. فائق توحیدی، نویسنده کتاب "فن و هنر سفالگری" در طبقه‌بندی سفال‌های دوره اسلامی ایران، سفال قرن سوم و چهارم را با نام سفال سامانی شناسایی کرده و از فنون تزئین متداول این دوره، لعاب گلی را برمی‌شمارد که در چهار شیوه به کار می‌رفته است. دسته اول که با پژوهش حاضر مرتبط است، سفالینه با پوشش گلی و نقش سیاه روی زمینه سفید است. به گفته توحیدی، «این دسته از ظروف که مهم‌ترین مرکز ساخت آن را می‌توان نیشابور دانست، با پوشش گلی پوشانده شده و سپس با نقوش سیاه رنگ یا قهوه‌ای تیره و لعاب شفاف سربی تزئین شده است؛ زمینه این ظروف کلاً شیری رنگ یا سفید است که در گوشه‌ای از لبه داخلی یا کف آن با کلمه و یا جمله‌ای کوتاه تزئین شده است. [...] از ویژگی‌های کلی تزئینات این نوع ظروف، عدم تراکم نقش و ایجاد فضای خالی در زمینه است» (توحیدی، ۱۳۸۹: ۲۶۱ و ۲۶۲). پنج اثر سفالین که در این پژوهش مورد مطالعه و تطبیق با اندیشه‌های هنر مینیمال قرار گرفته‌اند (تصویرهای ۱-۵)، منتخبی از این گروه سفالینه‌های نیشابورند که تعداد



تصویر ۱. اثر شماره ۱، کاسه‌ی سفالی، نیشابور
(خلیلی، ۱۳۸۴: ۸۸)

همچنین می‌توان به مقطع تاریخی مدنظر قرار داده‌شده، ارائه تعریف عملیاتی از ویژگی‌های زیبایی‌شناسی هنر مینیمال و کمی کردن اطلاعات اشاره نمود که به موجب آنها، درصد میزان تطبیق بین دو حوزه پژوهش مشخص می‌گردد.

روش پژوهش

این مقاله از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و میدانی است. در بخش کتابخانه‌ای از ابزار فیش و در بخش میدانی از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده گشته است. نمونه‌ها را پژوهشگر به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی وضعی (ترجیحی) انتخاب کرده است. در این پژوهش، چارچوب شناسایی ویژگی‌های زیبایی‌شناسی هنر مینیمال بر پایه آرای لوردانا پارمزانو بنا نهاده شده است. براین اساس، اندیشه‌های هنر مینیمال ابتدا به ۱۸ مورد تفکیک شده و سپس ویژگی‌هایی که قابلیت بررسی آنها در آثار کاربردی وجود نداشت،^۴ از لیست شاخص‌های موردبررسی کنار گذاشته شدند و ویژگی‌های نزدیک به هم، با یکدیگر تلفیق گشتند تا در نهایت به ۱۰ شاخص که در جدول ۲ ذکر شده، تقلیل یافتند. براساس این ۱۰ ویژگی، پرسش‌نامه‌ای شامل تصویر هر کدام از این پنج اثر سفالی و پنج جدول مجزا، تهیه شد و باتوجه به روش نمونه‌گیری دلفی، در اختیار ۵ تن از استادان دانشکده هنر دانشگاه شاهد که قابلیت ارائه نظر در این حوزه را داشتند، قرار گرفت. پس از تکمیل پرسش‌نامه از سوی ایشان، این داده‌های کیفی، استخراج و به داده‌های کمی تبدیل گردید تا میزان تشابه و تطبیق هر کدام از این سفالینه‌ها با اندیشه‌های هنر مینیمال مشخص گردد.

مبانی نظری پژوهش

پس از جستجوی نگارندگان در زمینه هنر مینیمال، از میان کتاب‌های مختلف تاریخ هنر، تاریخ هنر مدرن، هنر مدرنیسم، انقلاب مفهومی و دیگر کتاب‌هایی که حتی با عنوان هنر مینیمال نوشته شده‌اند، این نتیجه حاصل شد که برای تبیین اندیشه‌های هنر مینیمال از نظریات لوردانا پارمزانو که در کتاب "هنر قرن بیستم: جنبش‌ها، نظریه‌ها، مکاتب و گرایش‌ها" آمده، استفاده گردد. زیرا وی از زوایای جامع‌تری این هنر را مورد مطالعه قرار داده است. این درحالی است که سایرین بیشتر به وجه تاریخی این سبک یا به معرفی هنرمندان آن پرداخته‌اند. براساس نظریات پارمزانو، نگارندگان ویژگی‌های هنر مینیمال را به ۱۸ مورد تفکیک کردند؛ اما به دلیل نزدیکی برخی از این موارد به یکدیگر،

آنها نسبت به دیگر سفالینه‌های نیشابور که فاقد این ویژگی‌ها هستند، محدود است. ویژگی‌های کامل این پنج سفالینه در جدول ۱، آورده شده است.

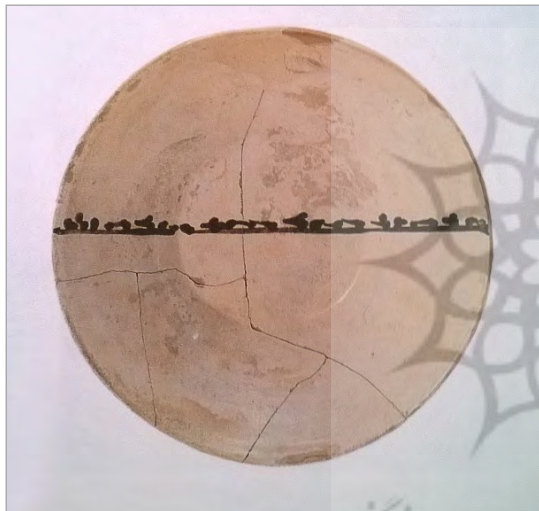
پیتر مورگان^۵، درباره اثر شماره ۱، چنین بیان داشته است: «کاربرد حداقل تزئین به این شیوه، اغلب در سفال سامانی دیده می‌شود که احتمالاً بیشتر در مورد ظروف کاربردی مورد استفاده قرار می‌گرفته است» (مورگان به نقل از خلیلی، ۱۳۸۴: ۸۸).

ارنست گروبه^۶، در توضیح اثر شماره ۵ می‌نویسد: «این کاسه که دیواره‌های گود و شیب‌داری دارد، نماینده گروهی کوچک و متمایز از خیل سفال‌های تولیدی سامانی است که نوشته عربی تزئین آن بوده است. تک‌خط نوشته‌ای که با رنگ سیاه بر زمینه سفید خالص نوشته شده است، نماینده کاربرد [نوعی] خوش‌نویسی است که به ندرت در دیگر اشکال هنری

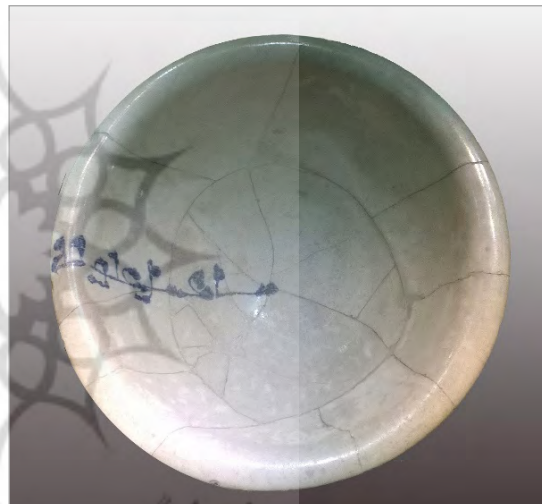
اسلامی دیده شده است. [...] نقطه سیاه رنگ وسط ظرف نیز کشش بیشتری در طرح آن ایجاد می‌کند. نوشته زیر قسمت مرکزی قرار گرفته و ترکیب فضای خالی با خوش‌نویسی تزئینی، آگاهانه مورد استفاده قرار گرفته است» (گروبه به نقل از خلیلی، ۱۳۸۴: ۵۰).

اندیشه‌های هنر مینیمال

اگرچه اجماع روشنی در این باره وجود ندارد که هنر مینیمال چیست یا چه بود، چه معنایی داشت و می‌خواست چه چیز را بازگو کند، اما اغلب آن را جنبشی برای تعدیل ذائقه فرهنگی برشمرده‌اند که واکنشی کلاسیک علیه شورمندی و خودستایی رمانتیک نقاشی اکسپرسیونیستی انتزاعی دهه ۱۹۵۰ م. بوده است (بچلر، ۱۳۹۲: ۳). بنابر نظر پارمرانی،



تصویر ۳. اثر شماره ۳، کاسه‌ی سفالی، نیشابور (خلیلی، ۱۳۸۴: ۸۸)



تصویر ۲. اثر شماره ۲، کاسه‌ی سفالی، نیشابور (تصویر از نگارندگان)



تصویر ۵. اثر شماره ۵، کاسه‌ی سفالی، نیشابور (خلیلی، ۱۳۸۴: ۴۹)



تصویر ۴. اثر شماره ۴، کاسه‌ی سفالی، نیشابور (تصویر از نگارندگان)

در هیاهوی زندگی شهری، در تکثیر و ازدیاد سرگیجه‌آور و سرزنده نشانه‌هایی که شهر تولید می‌کرد، پیشنهاد این هنرمندان برای دستیابی به یک فرضیه زیبایی‌شناختی آزاد از همه عناصر روستا که بتواند با اصول و نظامی مشخص در زبان مینیمال هنر قرار گیرد، عبارت بود از ویژگی‌هایی نظیر تفکر همراه با سکوت، داشتن طرح دقیق، وضوح فرم، استفاده از حداقل مواد و خنثی بودن رنگ‌ها. ضرورت هنر مینیمال در توجه به آهنگ درونی خود و گرایش ساختارگرایانه‌اش بود و بی‌آنکه خود را دل‌مشغول بیننده کند، در اثر تنها به دنبال لذت دید بود. لذتی که هنر مینیمال فراروی بیننده قرار می‌داد، بیشتر ذهنی بود تا بصری، و زیبایی عینی و تا حدودی کلاسیک فرم‌هایش ناشی از عوامل سخت‌گیرانه موجود در ساختمان‌ش بود که در آن، ضرورت و حقیقت بیشتر در ویژگی تأمل‌برانگیز طرح اثر ساکن بود تا در وجه احساسی آن (پارمزان، ۱۳۹۰: ۱۵۶-۱۵۳).

اگرچه بسیاری از منابع تاریخ هنر تنها به برشماری ویژگی‌های آثار هنرمندانی پرداخته‌اند که منتقدین آنها را در گروه هنرمندان مینیمالیست دسته‌بندی کرده‌اند، آنچه کمتر بدان پرداخته شده، برشماری اندیشه‌های مشترکی است که بتوان به مدد آنها زیبایی‌شناسی یک شیء مینیمال را بهتر درک کرد. سمیع‌آذر^۲ معتقد است «آنچه که جنبش مینیمالیسم را به ظهور رساند، نه یک سبک یا شیوه هنری، بلکه یک دیدگاه زیبایی‌شناختی

هنر مینیمال که در ایالات متحده در آغاز سال‌های ۱۹۶۰ تقریباً همزمان با هنر پاپ متولد شد، بر پایه مفهوم کاهش و سرد و بی‌روح کردن اثر بنیان گذارده شده است. با ازدیاد فرم‌های شهری، رسانه‌ها و تصاویر تبلیغاتی، هنر مینیمال سادگی راه‌حل‌های فرمی برگرفته از عناصر هندسی ابتدایی و مواد طبیعی یا صنعتی را پیشنهاد می‌کرد که انتخاب آنها به دلیل داشتن ساختارهای ساده بود. هنر مینیمال تأثیر فرمی و رنگ‌بندی را تا حد ممکن کاهش می‌داد و آثاری تولید می‌کرد که به واسطه دقت‌شان، با سکوت در مفهوم و در طرح، سعی داشتند تا به شیوه‌ای مخالف هیاهو، خود را درون بافت شهری جای دهند. گروه هنرمندان مینیمال که ریچارد ویلهلم منتقد این نام را در سال ۱۹۶۵ بر آنها نهاد، شامل هنرمندانی همچون *دانلد جاد، کارل آندر، دان فلاوین، تونی اسمیت و سول لویت* بود. ایده این گروه، اجرای آثاری مرکب از شکل - حجم و رنگ بود. این ترکیب کامل باید خود را در بافت شهری می‌گنجاند. این ترکیب‌ها آثاری سه‌بعدی را می‌ساختند که در عین حال مفهوم فضا، هندسه و نظم آن رعایت شده و دقت، عنصر ارتباطی بین آنها بود. لوردانا پارمزان معتقد است هنرمندان مینیمالیست به فن‌آوری توجه بسیار داشتند و از برخی مواد حاصل از آن نه برای بهره‌گیری از امکان‌های احساسی آن، بلکه برای نشان دادن قابلیت آنها در تبدیل شدن به عناصر زیبایی‌شناختی استفاده می‌کردند.

جدول ۱. مشخصات پنج اثر منتخب از سفال نیشابور

اثر شماره ۵	اثر شماره ۴	اثر شماره ۳	اثر شماره ۲	اثر شماره ۱	نوع
کاسه. ظرف منقوش گلابهای	کاسه. منقوش به رنگ لاجوردی بر روی زمینه سفید در زیر لعاب شفاف	کاسه. ظرف منقوش گلابهای	کاسه. منقوش به رنگ لاجوردی بر روی زمینه سفید در زیر لعاب شفاف	کاسه. ظرف منقوش گلابهای	نوع
ایران. نیشابور	ایران. نیشابور	ایران. نیشابور	ایران. نیشابور	ایران. نیشابور	متعلق به
قرن ۲ تا ۴ هـ ق	قرن ۳ و ۴ هـ ق	قرن ۳ و ۴ هـ ق	قرن ۳ و ۴ هـ ق	قرن ۳ و ۴ هـ ق	تاریخ
۲۶/۷ سانتی‌متر	۲۱/۵ سانتی‌متر	۱۴ سانتی‌متر	۲۲/۳ سانتی‌متر	۱۵ سانتی‌متر	اندازه قطر دهانه
مجموعه خلیلی	موزه ایران باستان، مجموعه فروغی	مجموعه خلیلی	موزه رضا عباسی	مجموعه خلیلی	محل نگهداری
-	متن کتیبه کوفی: عمله الاخول (به دست «الاخول» ساخته شده است) (قوچانی، ۱۳۶۴: ۱۱۶)	-	متن کتیبه کوفی: مما عمل عبویه (به دست «عبویه» ساخته شده است) (قوچانی، ۱۳۶۴: ۱۶۸)	-	سایر توضیحات

(نگارندگان)

بود. از این رو به جای تشریح خصوصیات سبک‌شناختی آثار مینیمالیستی، می‌توان درباره منطق هنری و خرد زیبایی‌شناختی آنها بحث کرد» (سمیع‌آذر، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

بنابر آنچه پارمزان در تبیین هنر مینیمال بیان می‌دارد، اندیشه‌های هنر مینیمال را می‌توان در ۱۸ مورد کلی طبقه‌بندی کرد که عبارت‌اند از:

۱. سرد و بی‌روح‌شدگی
۲. دارای ساختار ساده
۳. ساختار گرایانه بودن
۴. به‌کارگیری حداقل مواد
۵. بی‌توجهی به وجه احساسی مواد
۶. دارای عناصر هندسی و ابتدایی
۷. دارای سادگی فرم
۸. دارای وضوح فرم
۹. دارای کاهش فرم
۱۰. دارای کاهش رنگ
۱۱. دارای رنگ خنثی
۱۲. دارای سکون در طرح
۱۳. دارای کاهش عناصر تصویری
۱۴. دارای تفکر همراه با سکوت
۱۵. دارای طرح دقیق
۱۶. جای‌گیری در بافت شهری
۱۷. برخورداری از ترکیب‌بندی شامل فضا، هندسه و نظم
۱۸. تبدیل فن‌آوری و مواد حاصل از آن به عناصر زیبایی‌شناختی.

در تصویر ۶ که اثری از کارل آندره را نشان می‌دهد، تقریباً حضور همه این ۱۸ ویژگی در یک اثر را می‌توان به راحتی ملاحظه نمود. اما هنگامی که قرار باشد یک شیء هنری کاربردی با زیبایی‌شناسی هنر مینیمال خلق گردد، عواملی مثل وجه کاربردی اثر و ارگونومی و سازگاری آن با ساختار بدن انسان همچنان در اولویت قرار می‌گیرند و اگر لازم باشد، از مینیمال بودن اثر در راستای رسیدن به کاربری مطلوب شیء، عدول خواهد شد. بنابراین، ویژگی‌هایی مثل ویژگی شماره ۱۶ (جای‌گیری در بافت شهری) دیگر موضوعیت نخواهد داشت. در تصویرهای ۷ و ۸، دو نمونه از اشیای کاربردی که با زیبایی‌شناسی هنر مینیمال در دوران معاصر در غرب تولید شده‌اند، دیده می‌شود. اگرچه حضور بیشتر این ویژگی‌های ۱۸ گانه را می‌توان در هر دوی این آثار ملاحظه نمود، اما ویژگی‌های شماره ۱۶ و ۱۸ (جای‌گیری در بافت شهری، تبدیل فن‌آوری و مواد حاصل از آن به عناصر زیبایی‌شناختی) به دلایل یادشده، قابل پی‌گیری نیست.

بنابر آنچه گفته شد و باتوجه به نزدیکی بیش از حد برخی از ویژگی‌های ذکر شده به یکدیگر، نگارندگان آنها را در یکدیگر ادغام نموده تا به شاخص‌های کلی‌تر نایل گردند. نیز ویژگی‌هایی را که قابلیت بررسی آنها در آثار کاربردی امری نامعقول بود، کنار گذاشتند تا در نهایت به ۱۰ شاخص اصلی هنر مینیمال دست یافته شود که قابل بررسی در آثار کاربردی نیز باشند. این روند ادغام کردن و حذف نمودن در جدول ۲ ارائه شده است.

بررسی وجود اندیشه‌های هنر مینیمال در میان پنج اثر منتخب از سفال نیشابور



تصویر ۶. اثر حجمی، کارل آندره
(URL 1)



تصویر ۸. ظرف سفالین، ویتنی اسمیت
(URL 3)



تصویر ۷. ظروف سفالین، کارن سیلر
(URL 2)

شد (توجه به وجه احساسی مواد)؛ تا پرسش شونده دچار خطا و سردرگمی نگردد. براین اساس، روند امتیازدهی به این مورد، برعکس خواهد بود. زیرا مطابق با نظر پارمزانی، هنر مینیمال به وجه احساسی مواد بی توجه و بی اعتنا است. پس گزینه ندارد برای این ویژگی امتیاز ۱۰ و گزینه دارد امتیاز صفر را می گیرد. مطالب جدول ۵، نتایج کمی کردن اطلاعات حاصل از پرسش نامه ها را باتوجه به شیوه امتیازدهی جدول ۴ نشان می دهد و همچنین، میزان تشابه و درصد حضور هریک از اندیشه های هنر مینیمال را در سفالینه های منتخب بیان می دارد.

نمودار تصویر ۹ که براساس جدول ۵ ترسیم شده، میزان این تطبیق را بهتر نشان می دهد. بنابر این روند امتیازدهی، اگر هر ۵ کارشناس پاسخ دهنده به این پرسش نامه، گزینه ندارد را در مقابل ویژگی چهارم علامت زده و گزینه دارد را

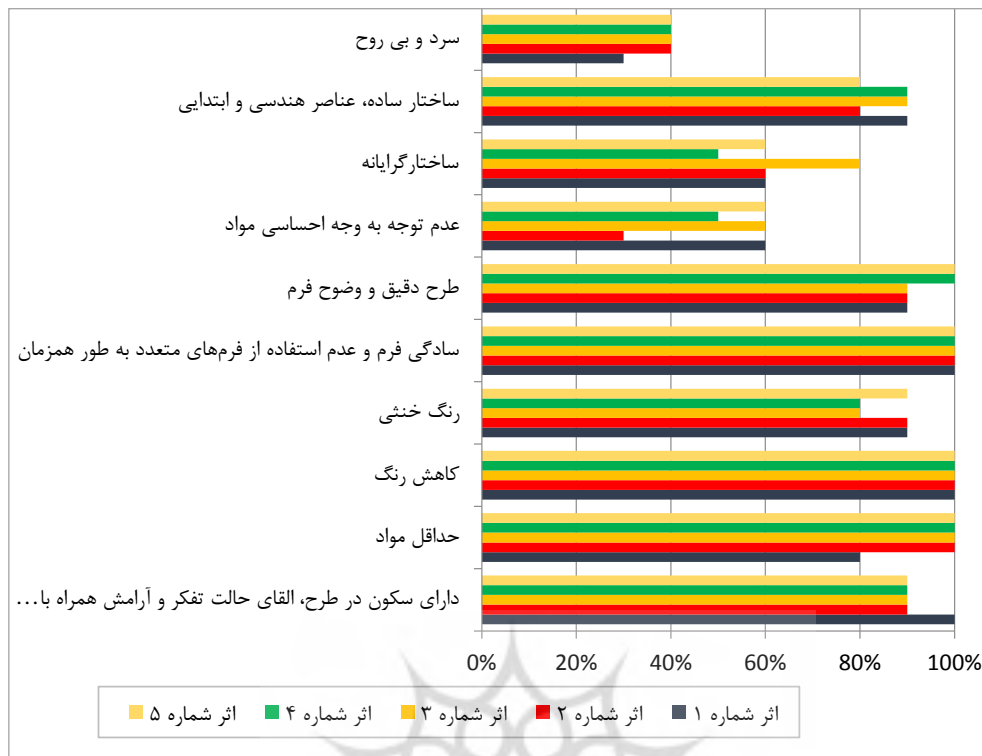
باتوجه به این ۱۰ ویژگی، پرسش نامه ای طراحی شد و به روش نمونه گیری دلفی، در اختیار ۵ تن از استادان دانشکده هنر دانشگاه شاهد که قابلیت ارائه نظر را در این حوزه داشتند، قرار گرفت. مطالب جدول ۳، یک نمونه از نتایج تکمیل این پرسش نامه ها را از سوی استادان نشان می دهد و بیانگر تعداد آرای پاسخ دهندگان به وجود یا بینابینی یا عدم وجود هریک از ویژگی های هنر مینیمال در آن اثر سفالی است.

برای هر پنج اثر، جداول جداگانه ای همانند جدول ۳ تهیه شد؛ سپس برای کمی کردن اطلاعات حاصل از این جدول ها، سه امتیاز ۱۰ و ۵ و صفر مطابق جدول ۴ به ترتیب به هریک از گزینه های دارد، تا حدودی دارد و ندارد، نسبت داده شد. لازم است بیان شود که ویژگی شماره چهار، یعنی عدم توجه به وجه احساسی مواد، به صورت برعکس در پرسش نامه طراحی

جدول ۲. ادغام شدن اندیشه های هنر مینیمال و به وجود آمدن ۱۰ شاخص اصلی قابل بررسی در آثار کربردی

ادغام اندیشه های هنر مینیمال و رسیدن به ۱۰ شاخص اصلی	اندیشه های هنر مینیمال از نظر پارمزانی
سرد و بی روح شدگی	سرد و بی روح شدگی
دارای ساختار ساده و عناصر هندسی و ابتدایی	دارای ساختار ساده
	دارای عناصر هندسی و ابتدایی
	دارای ترکیب بندی شامل فضا، هندسه و نظم
ساختار گرایانه بودن	ساختار گرایانه بودن
بی توجهی به وجه احساسی مواد	بی توجهی به وجه احساسی مواد
دارای طرح دقیق و وضوح فرم	دارای طرح دقیق
	دارای وضوح فرم
دارای سادگی فرم و عدم استفاده از فرم های متعدد به طور همزمان	دارای سادگی فرم
	دارای کاهش فرم
دارای رنگ خنثی	دارای رنگ خنثی
دارای سکون در طرح، القای حالت تفکر و آرامش همراه با سکوت و کاهش عناصر تصویری و تزئینی	دارای سکون در طرح
	دارای تفکر همراه با سکوت
	کاهش عناصر تصویری و تزئینی
به کارگیری حداقل مواد	به کارگیری حداقل مواد
کاهش رنگ	کاهش رنگ
(حذف به دلیل عدم قابلیت بررسی در آثار کربردی)	جایگیری در بافت شهری
(حذف به دلیل عدم قابلیت بررسی در آثار کربردی)	تبدیل فن آوری و مواد حاصل از آن به عناصر زیبایی شناختی

(نگارندگان)



تصویر ۹. نمودار میزان تطبیق هریک از پنج اثر سفالی با هریک از اندیشه‌های هنر مینیمال (نگارندگان)

جدول ۳. نمونه‌ای از حاصل تجمیع آرای کارشناسان براساس اطلاعات پرسش‌نامه‌ها برای اثر شماره ۱

ندارد (رأی)	تا حدودی دارد (رأی)	دارد (رأی)	اثر شماره ۱
۳	۱	۱	سرد و بی روح
-	۱	۴	ساختار ساده، عناصر هندسی و ابتدایی
۱	۲	۲	ساختار گرایانه
۲	۲	۱	توجه به وجه احساسی مواد
-	۱	۴	دارای طرح دقیق و وضوح فرم
-	-	۵	دارای سادگی فرم و عدم استفاده از فرم‌های متعدد به طور همزمان
-	۱	۴	رنگ خنثی
-	-	۵	کاهش رنگ
۱	-	۴	به کارگیری حداقل مواد
-	-	۵	دارای سکون در طرح، القای حالت تفکر و آرامش همراه با سکوت و کاهش عناصر تصویری و تزئینی

(نگارندگان)

جدول ۴. امتیاز دهی به قسمت‌های سه‌گانه‌ی طیف

طیف:	دارد	تا حدودی دارد	ندارد
امتیاز	۱۰	۵	۰

(نگارندگان)

در مقابل سایر ویژگی‌ها انتخاب نمایند، آن اثر سفالین امتیاز کامل یعنی ۵۰۰ را کسب خواهد کرد و کاملاً و به‌طور ۱۰۰٪ بر اندیشه‌های هنر مینیمال منطبق خواهد بود. مطالب جدول ۶، حاصل جمع امتیاز هر کدام از این آثار سفالین و درصد انطباقشان با اندیشه‌های مینیمالیسم را هم به‌صورت انفرادی و هم در قالب یک مجموعه نشان می‌دهد.

مطابق با جدول ۶، اثر شماره ۳ بیشترین تطابق را با اندیشه‌های هنر مینیمال دارد. از آنجا که حداقل درصد تطبیق این آثار حدود ۷۸ درصد است، می‌توان استدلال کرد که همگی این آثار، تطبیق قابل توجهی با اندیشه‌های مینیمالیسم دارند و حتی می‌شود آنها را نمونه‌های هنر سفالینه‌ها با یکدیگر قیاس کرد.

در مقابل سایر ویژگی‌ها انتخاب نمایند، آن اثر سفالین امتیاز کامل یعنی ۵۰۰ را کسب خواهد کرد و کاملاً و به‌طور ۱۰۰٪ بر اندیشه‌های هنر مینیمال منطبق خواهد بود. مطالب جدول ۶، حاصل جمع امتیاز هر کدام از این آثار سفالین و درصد انطباقشان با اندیشه‌های مینیمالیسم را هم به‌صورت انفرادی و هم در قالب یک مجموعه نشان می‌دهد.

مطابق با جدول ۶، اثر شماره ۳ بیشترین تطابق را با اندیشه‌های هنر مینیمال دارد. از آنجا که حداقل درصد تطبیق این آثار حدود ۷۸ درصد است، می‌توان استدلال کرد که همگی این آثار، تطبیق قابل توجهی با اندیشه‌های مینیمالیسم دارند و حتی می‌شود آنها را نمونه‌های هنر

جدول ۵. امتیاز حاصل از تجمیع آرای کارشناسان برای پنج سفالینه منتخب و درصد حضور اندیشه‌های هنر مینیمال در هر سفالینه

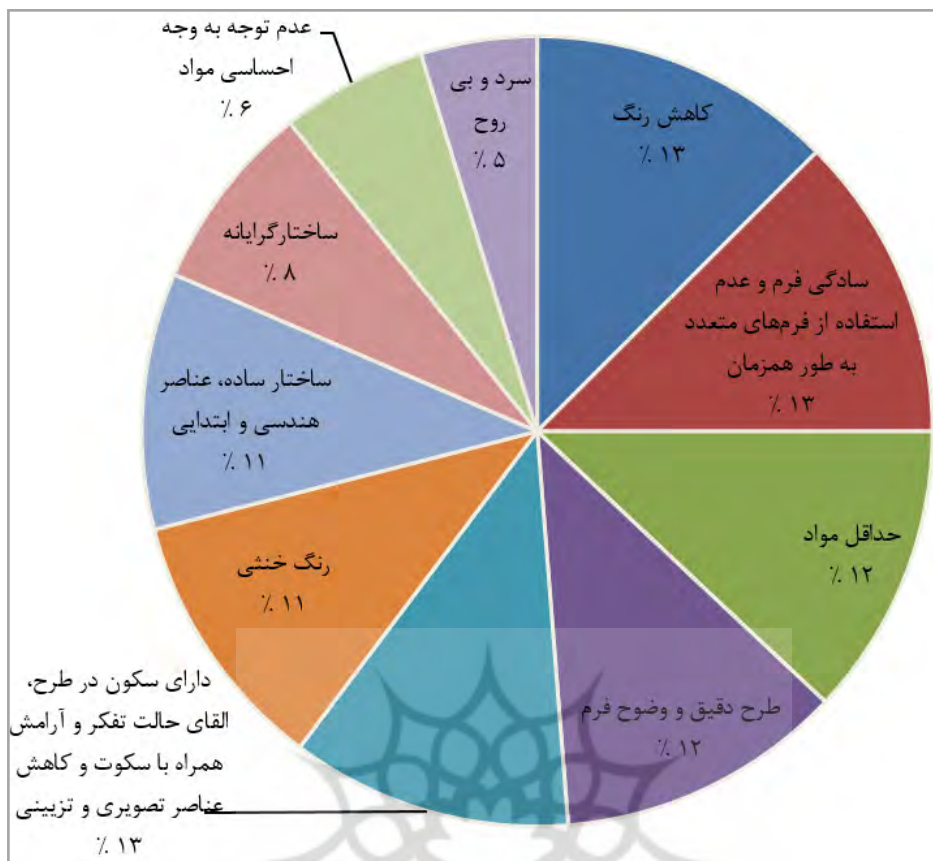
ویژگی	اثر شماره ۱		اثر شماره ۲		اثر شماره ۳		اثر شماره ۴		اثر شماره ۵		درصد میانگین کل
	درصد	امتیاز	درصد	امتیاز	درصد	امتیاز	درصد	امتیاز	درصد	امتیاز	
سرد و بی‌روح	۱۵	۳۰٪	۲۰	۴۰٪	۲۵	۴۰٪	۲۰	۴۰٪	۲۰	۴۰٪	۳۸٪
ساختار ساده، عناصر هندسی و ابتدایی	۴۵	۹۰٪	۴۰	۸۰٪	۴۵	۹۰٪	۴۵	۹۰٪	۴۰	۸۰٪	۸۴٪
ساختار گرایانه	۳۰	۶۰٪	۳۰	۶۰٪	۴۰	۸۰٪	۲۵	۵۰٪	۳۰	۶۰٪	۶۲٪
بی‌توجهی به وجه احساسی مواد	۳۰	۶۰٪	۱۵	۳۰٪	۳۰	۶۰٪	۲۵	۵۰٪	۳۰	۶۰٪	۵۲٪
دارای طرح دقیق و وضوح فرم	۴۵	۹۰٪	۴۵	۹۰٪	۴۵	۹۰٪	۵۰	۱۰۰٪	۵۰	۱۰۰٪	۹۴٪
سادگی فرم و عدم استفاده از فرم‌های متعدد به‌طور همزمان	۵۰	۱۰۰٪	۵۰	۱۰۰٪	۵۰	۱۰۰٪	۵۰	۱۰۰٪	۵۰	۱۰۰٪	۱۰۰٪
رنگ خنثی	۴۵	۹۰٪	۴۵	۹۰٪	۴۰	۸۰٪	۴۰	۸۰٪	۴۵	۹۰٪	۸۶٪
کاهش رنگ	۵۰	۱۰۰٪	۵۰	۱۰۰٪	۵۰	۱۰۰٪	۵۰	۱۰۰٪	۵۰	۱۰۰٪	۱۰۰٪
به‌کارگیری حداقل مواد	۴۰	۸۰٪	۵۰	۱۰۰٪	۵۰	۱۰۰٪	۵۰	۱۰۰٪	۵۰	۱۰۰٪	۹۶٪
سکون در طرح، القای حالت تفکر و آرامش همراه با سکوت و کاهش عناصر تصویری و تزئینی	۵۰	۱۰۰٪	۴۵	۹۰٪	۴۵	۹۰٪	۴۵	۹۰٪	۴۵	۹۰٪	۹۲٪

(نگارندگان)

جدول ۶. جمع امتیاز اکتسابی هر کدام از پنج اثر منتخب و درصد انطباق آنها با اندیشه‌های هنر مینیمال

اثر شماره ۱	اثر شماره ۲	اثر شماره ۳	اثر شماره ۴	اثر شماره ۵	میانگین پنج اثر
۴۰۰	۳۹۰	۴۲۰	۴۰۰	۴۱۰	۴۰۴
٪ ۸۰	٪ ۷۸	٪ ۸۴	٪ ۸۰	٪ ۸۲	٪ ۸۰/۸

(نگارندگان)



تصویر ۱۰. نمودار میزان تطبیق مجموعه پنج اثر سفالی به عنوان یک کل با اندیشه‌های هنر مینیمال (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که پنج اثر منتخب از آثار سفالین نیشابور میزان تطبیق قابل توجهی (حداقل ۷۸ و حداکثر تا ۸۴ درصد) با اندیشه‌های هنر مینیمال دارند. حتی می‌شود آنها را نمونه‌های هنر مینیمال در دوران قبل از ظهور مینیمالیسم (حدود ۹۰۰ سال پیش از پیدایش هنر مینیمال)، قلمداد کرد. در جهت تقویت این استدلال، لازم است ذکر شود که الزاماً همه این ۱۸ ویژگی حتی در آثار بسیار معروف هنر مینیمال به طور یکجا وجود ندارند. مثل آثار لامپ نمونی دان فلاوین که ویژگی‌های کاهش رنگ و رنگ خنثی را ندارد. بنابراین آثار هنرمندان مطرح مینیمال نیز صد درصد مینیمال نیست و اگر برای آنها نیز چنین پرسش‌نامه‌هایی طرح شود، احتمالاً درصدی مشابه با همین درصدهایی را نشان خواهند داد که این آثار سفالی نشان داده‌اند. بنابر این اختلاف زمانی ۹۰۰ ساله که بین این آثار با هنر مینیمال وجود دارد، دلیل تشابه و تطابق بین آنها را می‌توان وجود ایده‌های مشترک، مبانی زیبایی‌شناسی مشابه و گرایش به ساده‌سازی ذکر کرد. اگر هنر مینیمال بنابر نظر پارمزانی، واکنشی است علیه ازدیاد فرم‌های شهری و رسانه‌ها، شلوغی رنگ و تصویر، شاید بتوان این قبیل سفالینه‌های نیشابور را هم واکنش هنرمندان آن دوره به خیل عظیم آثار پرتزئین و پررنگ و لعاب زمانه خودشان دانست. اگرچه شواهد کافی بر این مدعا هنوز کشف نشده است، اما تفاوت فاحش این گروه از سفالینه‌ها را با سایر سفالینه‌های نیشابور در آن دوران نمی‌توان انکار کرد. خلق آثاری مثل اثر شماره ۲ (تصویر ۲)، نمی‌توانسته امری اتفاقی باشد؛ بلکه از معیارها و قواعد زیبایی‌شناسی خاصی پیروی می‌کرده است.

نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهند که از میان اندیشه‌های هنر مینیمال، دو ویژگی کاهش رنگ و سادگی فرم و عدم استفاده از فرم‌های متعدد به طور همزمان، بیش از بقیه و به صورت ۱۰۰ درصدی در این سفالینه‌ها

وجود دارند. به علاوه، ویژگی سرد و بی‌روح‌شدگی را کمتر از دیگر شاخصه‌های هنر مینیمال (۳۸ درصد) می‌توان در این سفالینه‌ها ملاحظه نمود.

نتایج پژوهش حاضر، درحقیقت تأکیدی است بر اهمیت و ضرورت شناخت فرهنگ و هنر گذشته سرزمین ایران در جهت شناسایی معیارهای زیبایی‌شناسی، اندیشه‌ها و باورهای مردم و هنرمندان آن روزگار. تأیید وجود تطابق بین این پنج اثر سفالی با اندیشه‌های هنر مینیمال، جرقه و انگیزه‌ای است برای ترغیب کردن پژوهشگران تا به زوایای مستور در فرهنگ و هنر ایران (به‌ویژه آثار هنرهای کاربردی) توجه بیشتری نموده و مبنای زیبایی‌شناسی پنهان در پشت این آثار را شناسایی کرده و به جهانیان بشناسانند. چه بسا با مطالعات بیشتر، اثبات شود که وجود چنین آثاری در ظهور هنر مینیمال در قرن بیستم سهم عمده و جدی داشته است. پژوهشگران همچنین پیشنهاد می‌کنند تا از همین دریچه نمونه‌های دیگری از آثار هنری کهن ایران مورد مطالعه تطبیقی با سایر سبک‌های هنر جدید قرار گیرد تا در ادامه این روند، مسیری برای پژوهش‌های آتی در زمینه تأثیر هنر ایرانی بر شکل‌گیری هنر مدرن در غرب، مهیا گردد. پژوهشگران همچنان که خود عمل کرده، استفاده از مطالعات موردی (موردپژوهی) و نمونه‌گیری وضعی را در این مسیر بسیار راهگشا در پژوهش‌های پیش‌رو در این حوزه قلمداد می‌نمایند.

پی‌نوشت

۱. Japonism؛ اصطلاحی که ابتدا فرانسویان آن را برای توصیف اشتیاق عموم به هنر ژاپنی به کار بردند. امروزه، بیشتر به تأثیر هنر ژاپنی - به‌خصوص، باسمه ژاپنی - بر هنر گرافیک، نقاشی، تزیین داخلی و صنعتگری باختر زمین در نیمه دوم سده نوزدهم و دهه نخست سده بیستم میلادی اشاره دارد (پاکباز، ۱۳۸۶: ۲۸۹).
۲. Loredana Parmesani؛ نویسنده و هنرپژوه معاصر ایتالیایی. وی نویسنده کتاب «Arte del secolo. Movimenti, teorie, scuole, tendenze 1900-2000» به زبان ایتالیایی است که در فارسی با عنوان "هنر قرن بیستم: جنبش‌ها، نظریه‌ها، مکاتب و گرایش‌ها" از سوی نشر نظر به چاپ رسیده است.
۳. Optical Art؛ هنر دیدگانی. مخاطب هنگامی که به آثار این سبک می‌نگرد، ممکن است حرکت، چشم‌ک‌زدن، خاموش و روشن شدن، چرخش، لرزش یا جهشی را مشاهده نماید که همگی ناشی از خطای دید است (پاکباز، ۱۳۸۶: ۴).
۴. از میان ۱۸ شاخص هنر مینیمال که از آرای لوردانا پارمزانی در این پژوهش حاصل شده، برخی ویژگی‌ها مثل جایگیری در بافت شهری در اشیای کاربردی مینیمال، دیگر کاربرد نداشته و از اهمیت خارج می‌گردند. این موضوع در متن مقاله حاضر در قسمت اندیشه‌های هنر مینیمال با ذکر مثال‌هایی مفصل‌تر توضیح داده شده است.
۵. Peter Morgan؛ استاد تاریخ و هنر اسلامی دانشگاه گمبریج انگلیس که بیش از ۴۰ سال درباره هنر اسلامی ایران، افغانستان، عراق و سوریه مطالعه کرده است.
۶. Ernst J. Grube؛ تاریخ‌شناس معاصر آلمانی در حوزه هنر اسلامی. وی را از اولین موزه‌داران بخش اسلامی موزه متروپولیتن دانسته‌اند.
۷. نویسنده و پژوهشگر تاریخ هنر معاصر ایرانی که پژوهش‌ها و کتاب‌های متعددی درباره هنر غرب به‌ویژه هنر سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی دارد.

منابع و مأخذ

- بچلر، دیوید (۱۳۹۲). مینیمالیسم. ترجمه حسن افشار، چاپ اول، تهران: مرکز.
- پارمزان، لوردانا (۱۳۹۰). هنر قرن بیستم: جنبش‌ها، نظریه‌ها، مکاتب و گرایش‌ها. ترجمه مریم چهرگان و سمانه میرعابدی، چاپ دوم، تهران: نظر.
- پاکباز، رویین (۱۳۸۶). دایره المعارف هنر. چاپ ششم، تهران: فرهنگ معاصر.
- توحیدی، فائق (۱۳۸۹). فن و هنر سفالگری. چاپ هفتم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- خضایی، وحید و مراثی، محسن (۱۳۹۰). بررسی و تطبیق گرایش به انتزاع در نقوش سفالینه‌های ایران باستان و شیوه آپارات، فصلنامه نگره. (۱۷)، ۹۹-۸۷.



- خلیلی، ناصر (۱۳۸۴). سفال اسلامی. ترجمه فرناز حایری، چاپ اول، تهران: کارنگ.
- سمیع‌آذر، علیرضا (۱۳۹۲). انقلاب مفهومی. چاپ دوم، تهران: نظر.
- قوچانی، عبدالله (۱۳۶۴). کتیبه‌های سفال نیشابور. موزه رضا عباسی، چاپ اول، تهران: شرکت افست (سهامی عام).
- URL 1: <http://uk.phaidon.com/agenda/art/picture-galleries/2011/may/17/carl-andre-matter-matters/?idx=10> (access date: 21/06/2016)
- URL 2: <http://www.karenswyler.com/recent/v9yad34itj7tq5di1z8sq2cgm3f344> (access date: 21/06/2016)
- URL 3: http://bluebirdhill.typepad.com/blue_bird_hill/2008/01/whitney-smith-p.html (access date: 21/06/2016)





Received: 2016/08/22

Accepted: 2016/11/19

The Study of 5 Selected Works of 9th to 11th Century AD Nishapur Pottery Comparing with Minimalism Ideas

Behrouz Soheili Esfahani* Mohsen Merasi**

Abstract

Among multiple discovered Nishapur pottery works of 9th to 11th century AD, there are samples which differ from the others in aesthetic aspects. Their creators may have followed other aesthetic rules presumably. In these cases, there are not lots of ornamentation, vibrant colors and prevalent motifs of their period. And also empty spaces and a kind of stillness play an important role in them unlike previous ones. In short, minimalist characteristics have been applied in their embellishment. The 5 pottery works which are selected by purposeful sampling and compared with the ideas of minimalism in this study are selections of this Nishapur pottery group which indicate the aforementioned characteristics. In this article, which has been done through descriptive-analytical method with comparative approach, it is tried to answer this question that whether the Nishapur selected pottery works correspond with aesthetic features of minimalism. The researchers classified the ideas of minimal art on the basis of Loredana Parmesani's thoughts at first into 18 and then into 10 categories and then provided a self-made questionnaire based on Delphi method of sampling and distributed them among 5 art faculty members of Shahed University in order to determine the amount of correspondence between these pottery works and minimalism ideas. Afterwards, the percentage of correspondence was presented by quantifying the information. The results of this study clarify that the amount of correspondence between these pottery works and minimalism ideas is significant and about 78% to 84%. Therefore, they can be considered as minimalist artworks about 900 years before minimalism emergence. It is necessary to mention that all of the 10 properties don't exist even in very famous minimalism works entirely. Considering this 900-year difference between these two phenomena indicated that the reasons of this similarity have mutual ideas, similar aesthetic rules and tendency to simplification and reduction. The results also indicated that among the minimalism Ideas, 2 properties of "simple form and non-use of multiple forms simultaneously" and "minimum color" exist more in the samples with one hundred percentage. The results also emphasize on the importance and necessity of recognition of Iranian culture and art in order to identify its aesthetic criteria.

Keywords: pottery- Nishapur- minimalism- aesthetic.

*MA Student in Art Studies, Faculty of Arts, Shahed University.

** Assistant Professor, Faculty of Arts, Shahed University.